

شماره ۱۰
شنبه ۱۳ آبان ۱۳۹۶



کحات

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

نگاهی به مستند
«بازگشت گمورا»



وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ
حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان را که آیات
ما را دروغ انگاشتند،
از راهی که خود
نمی‌دانند به تدریج
خوارشان می‌سازیم.

قرآن کریم، سوره الأعراف
آیه ۱۸۲



کمان

نشریه‌ی مستندهای تلویزیونی

شماره‌ی ۱۰، چهارشنبه، ۱۳ آبان ماه ۱۳۹۹



نویسندگان:

رحیم ناظریان | مهدی اسدزاده | سهیل محمودی

همکاران:

مطهره کشاورز | اکرم سادات فاطمی | مهدی مجد | زکریا زرگانی
یاسر صدرنژاد | محمد حسین شفیق

عکاس:

سهراب خانزاده

مدیر هنری:

علیرضا بخشی

با سپاس از دبیرخانه‌ی جشنواره مستند
و کارکنان محترم خانه مستند انقلاب اسلامی

نشانی:

تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از پارک ساعی، جنب بیمارستان
مهرگان بن بست مهرگان، پلاک ۳
تلفن: ۸۸۷۸۳۶۴۵ - ۸۸۷۸۳۶۴۵، کد پستی: ۱۵۱۶۷۳۵۶۱۴
خواننده‌ی گرامی، تمام شماره‌های نشریه‌ی کمان را می‌توانید از
سایت زیر دریافت کنید
www.khanemostanad.ir

خانه مستند
انقلاب اسلامی





محمد جواد رئیسی | کارگردان

نویسنده: مهدی اسدزاده

یکی از فیلم‌هایی که ساخته بود رو برای پدرش گذاشت. پدرش تمام مدت فیلم رو زل زده بود به صفحه تلویزیون و با دقت تمام تماشا می‌کرد. وقتی فیلم تموم شد پدرش دو تا سوال داشت: همین بود؟

چقدر دستمزد می‌دن برای این؟ و تو مکالمه‌ای که بعد از این سوال‌ها بین پدر و پسر شکل گرفت، محمد جواد رئیسی یکی از مهم‌ترین حرف‌های زندگی‌ش رو زد:

اصلاحیه!

در شماره پیشین مجله (شماره ۹)، در نقد مستند «گرچه‌های ناآرام»، مستند «جام حسنلو» ساخته محمد رضا اصلاتی، به نام خسرو سینایی درج شد که بدین وسیله پوزش می‌طلبیم!

اصلاً من رفته‌ام حوزه فقط برای این که فیلم ساز بشم! تا حالا این قدر صریح و رک با خودش و انگیزه‌هاش روبرو نشده بود. شاید اون روز، نقطه‌ی عطفی بود تو زندگی‌ش. روزی که بهش یاد داد باید به مبارزه‌اش برای بهتر بودن و بهتر شدن ادامه بده. کی می‌دونه؟ شاید یه روز اون قدر فیلم ساز بزرگی بشه، که بتونه سختگیرترین مخاطب زندگی‌ش رو هم قانع کنه!



روایتی از انقلاب جنسی

به گزارش روابط عمومی جشنواره تلویزیونی مستند، کارگردان مستند «بازگشت گومورا» درباره‌ی این فیلم گفت: مستند «بازگشت گومورا» به تهیه‌کنندگی آقای سید جمال عود سیمین در سازمان هنری و رسانه‌ای اوج تهیه شده و در چهل دقیقه به صورت آرشیو در سه ماه تدوین شده است. اتفاق ویژه‌ای که برای این مستند افتاد، این بود که پژوهش آن چیزی حدود یک سال و نیم به طول انجامید. این مستند تا کنون هیچگاه از تلویزیون نمایش داده نشده است. «بازگشت گومورا» ریتم بسیار تندی دارد و اطلاعات زیادی در چهل دقیقه به مخاطب خود می‌دهد.



محمد جواد رئیسی

نویسنده:

سپهیل محمودی



رئییسی در مورد روایت اتفاقات در مستند «بازگشت گومورا» گفت: در این مستند، یک نوع روایت مبتنی بر پژوهش وجود دارد که از چند اتفاق در تاریخ غرب استفاده می‌کند تا داستان را روایت کند.

وی اضافه کرد: مستند «بازگشت گومورا» مستندی است درباره تاریخچه انقلاب جنسی. پژوهشگران، تاریخچه وریشه‌های متفاوتی را برای این پدیده نوشته‌اند اما آنچه که در اکثریت پژوهشگران مشترک است، تغییرات و اتفاقاتی است که در بین سال‌های ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ و خصوصاً در دهه ۱۹۵۰-۶۰ در غرب افتاده است که به آن انقلاب جنسی می‌گویند.

افرادی در این ماجرا نقش داشته‌اند و غالباً به آن‌ها پرداخته نشده است؛ مثلاً ادوارد برنایز به عنوان پدر پروپاگاندا معروف است ولی این که در انقلاب جنسی نقش داشته است یا نه، چیزی است که ما در مستند «بازگشت گومورا» آن را بررسی کرده‌ایم و سعی داشته‌ایم که

به نتیجه برسیم. بعضی هانقش مستقیم در این حوزه داشته‌اند و بعضی‌ها ارتباط غیرمستقیم که ما سعی کرده‌ایم این ارتباط را از زاویه جدیدی به نمایش بگذاریم.

رئییسی افزود: معمولاً اگر شما به سراغ پژوهش در حوزه انقلاب جنسی بروید به اسم آلفرد کیزی برمی‌خورید؛ ولی این که این آدم کیست و از کجا آمده و چه کسانی او را حمایت می‌کنند در این مستند ما به آن پرداخته‌ایم. در «بازگشت گومورا» ما قصه‌ای را تحت عنوان تحول خانواده در غرب نوشتیم و تغییرات خانواده‌ها در غرب را از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ بررسی کرده‌ایم که نگاه اصلی ما در این پژوهش، مسائل جنسی بوده است.

مستند «بازگشت گومورا» که با تهیه‌کنندگی سید جمال عود سیمین و کارگردانی محمدجواد رئییسی تولید شده است، با پذیرفته شدن در فصل سوم جشنواره تلویزیونی مستند در تاریخ سیزدهم آبان روی آنتن شبکه مستند خواهد رفت.



پوستر فیلم مستند «بازگشت گومورا»



روایتی اپیزودیک از بحران جنسی آمریکا

تحلیلی بر مستند بازگشت گومورا

نویسنده: رحیم ناظریان

است که حتی در سینمای غیرمستند نیز بدان دامن می‌زنند.

سینمایی که مدرنیست‌ها بدان تأکید دارند، سینمایی است برخلاف سینمای کلاسیک، که قصه‌پردازی را اصل نمی‌داند و نتیجه آن که قهرمان پروری مثال زدنی در فیلم به حاشیه می‌رود. سینمای مدرن از داستان پرهیز می‌کند و خرده روایات پراکنده، با کانسیتی مشخص، شاکله کلی فیلم را می‌سازد.

بدون طرح داستانی، همه چیز در مستند بر دوش روایت و موضوع می‌افتد. نکته‌ای گول‌زننده در تعاریف و دریافت‌ها از مفاهیم نمایشی وجود دارد که گاهی در خیلی از محافل، با یکدیگر مختلط و معانی و تعبیرشان به غلط تفسیر می‌شود. یکی از این موارد، ساختار دراماتیک است که بعضاً با تکیه بر عناصر داستانی یا روایی سنجیده می‌شود. این برداشتی اشتباه از عنصری



فضاسازی پررنگ می‌شود و در منطق علی رویدادها رنگ می‌بازد. با این اوصاف، اوضاع در سینمای مستند کمی پیچیده‌تر است. اینجا خود به خود در ساحت کلی این سینما، داستان به حاشیه رفته و چیزی تحت عنوان استناد به امر واقعی از دیرباز مد نظر تولیدکنندگان بوده است.

با این مقدمه نمی‌خواهیم موضوع، تفاوت و یا افتراق سینمای مدرن و کلاسیک را بررسی کنیم، بلکه غرض از بیان این موضوع، درک جایگاه داستان در کاربرد اصطلاح «ساختار دراماتیک» است. پیشتر، ساختار دراماتیک را مستلزم وجود داستان یا روایتی خطی می‌دانستند؛ اما حقیقت این است که حداقل پس از وقوع سینمای مدرن، اطلاق عبارت ساختار دراماتیک و صحنه گذاشتن بروی آن در یک اثر نمایشی، منوط بر وجود قابلیت‌های داستانی نیست.

شیوه‌های نوین روایت، استفاده از عناصر کم‌رنگ نمایشی و از یاد رفته‌ای که در دوره معاصر بیشتر بدان پرداخت شده، تأکید بر مضمونی نمایشی و

جایگزینی کنش دراماتیک داستانی به جای عملی محتوامحور و تأکید بر عنصرکشش، همگی دریافت و تفسیر ساختار دراماتیک را دگرگون کرده است. روایت با چه شیوه‌ای در یک مستند نقل می‌شود؟ این سوال راه گشای بسیاری از بحث‌هایی است که برخی فقدان طرحی سراسر در اثری سینمایی را دستمایه‌ای برای ضعف یا حذف ساختار دراماتیک می‌دانند. امروزه یک اثر مستند با ایجاد ارتباطی عاطفی با مخاطب نیز ساختار دراماتیک خود را بی‌نیاز به طرحی از پیش مشخص، قوام می‌بخشد.

«بازگشت گومورا» روایتی سراسر دارد و البته در ظاهر با پرداختن به موضوعاتی مختلف، به نظر می‌رسد؛ تمام فیلم در قالب مقدمه ای طولانی برای مضمون اصلی آن به چشم بیاید. منظور این است که در این فیلم با پرداختن به رویدادها و حوادث مختلفی در ایالات متحده آمریکا، در بخش‌های مختلف، عملاً فیلم به سکانس‌هایی مجزا با موضوعاتی مختلف تقسیم می‌شود و در هر کدام از این فصل‌ها، یک مسئله تشریح و واکاوی

«بازگشت گومورا»

روایتی سراسر است

دارد و البته در

ظاهر با پرداختن

به موضوعاتی

مختلف، به نظر

می‌رسد؛ تمام فیلم

در قالب مقدمه

ای طولانی برای

مضمون اصلی آن

به چشم بیاید.



و این یه جورایی تو خانواده ما ارثیه

بنیان محکم خانواده در این کشور در آن دوران.

- پرداختن به صنعتی شدن امریکا و فراگیر شدن اختراعات، خصوصاً سینما و باز شدن پای ستاره‌ها به رسانه‌های جمعی نوشتاری و دیداری.

- پرداختن به «فروید» و بررسی اجمالی آرای او در موضوع روان‌شناسی و شرح دیدگاه ناخودآگاه جمعی و تاثیر او بر جامعه آمریکا.

- بررسی زندگی و عقاید «ادوارد برنایز»، خواهرزاده فروید! کسی که فرهنگ

می‌گردد. اما نهایتاً تنها در پایان فیلم است که تمام مفاهیم و معناهای مستتر در سکانس‌های جداگانه، یکجا به وحدت می‌رسند. به موارد زیر که روایتی اپیزودیک را تداعی می‌کند دقت کنید:

- ماجرای ریاست جمهوری و سوگند «جان اف کندی» رئیس جمهور دهه شصت امریکا و رابطه فرا افلاطونی اش با «مریلین مونرو» و نهایتاً مرگ، قتل یا خودکشی اسرارآمیز این ستاره امریکایی.

امریکایی‌ها تا قبل از شروع قرن بیستم و بحثی تاریخی و فرهنگی و توصیف

مصطفی گرایبی را به آمریکا هدیه داد. کسی که تبلیغات را به شکلی روانکاوانه مورد استفاده قرار داد.

- پرداختن به زندگی و آرای «آلفرد کنزی»، کسی که او را پدر سکسولوژی می‌دانند.

- وقوع «انقلاب جنسی» در آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن تمام مناسبات فرهنگی آنان تحت مسائل جنسی.

مشاهده تیتروار موارد یاد شده فوق، می‌تواند شمای کلی مستند «بازگشت گومورا» را مشخص نماید. تمام بخش‌های یاد شده، گرچه در ظاهر موضوع، هیچ ارتباطی با یکدیگر ندارند، اما با دقت و نظم و به شکلی حساب شده - که حاصل پژوهش این مستند است - پشت به پشت در پی هم قرار گرفتند تا نهایتاً در پایان فیلم به صورت ضمنی، ما با کمی دقت ذهنمان را معطوف پلان‌های آغازین کنیم. به عبارتی تمام این موضوعاتی که مستند بدان پرداخت، به مرگ اسرارآمیز «مریلین مونرو» در آغاز فیلم ارجاع دارد. چرا که بعد از اتمام مستند، مفهوم هر کدام از بخش‌هایی که بدان پرداخت شده، یک

سلسله روایت متحد می‌سازد که به نوعی این روایت منسجم، تاریخ زوال فرهنگی آمریکا از دوران روستانشینی تا دوران مدرن و پسامدرن را شرح می‌دهد. دورانی که از استحکام بنیان خانواده تا متلاشی شدن این نهاد و حاصلش، بی‌بند و باری جنسی و تولد کودکان نامشروع را شامل می‌شود. به همین دلیل می‌توان یکی از پلان‌های کوتاه و پایانی فیلم را به عنوان پلانی درخشان از این مستند یاد کرد، آنجایی که پیرزن، دست در دست کودک در یک پارک با زنگی پاییزی، به عمق قاب می‌روند و تصویر این حسرت را نشان می‌دهد که کودکانی که حتی پدر و مادری مشخص ندارند و یا فرزندان طلاق هستند، یقیناً انتظار داشتن مادر بزرگ برایشان امری غیرممکن تلقی خواهد شد و تصویری که هم اکنون از این زن سالخورده و کودک می‌بینید، محتوایی است که رو به زوال می‌رود. بی‌شک برای نسلی از آمریکایی‌ها وقتی پدر و مادر مشخص یا خانواده‌ی معلوم ندارند، دیگرچه انتظاری داریم حرفی از داشتن پدر بزرگ یا مادر بزرگ بزنیم!

بنابراین مستند «بازگشت گومورا»

بی‌شک برای نسلی
از آمریکایی‌ها وقتی
پدر و مادر مشخص
یا خانواده‌ی
معلوم ندارند،
دیگرچه انتظاری
داریم حرفی از
داشتن پدر بزرگ یا
مادر بزرگ بزنیم!

از نظر ساختار قابل ستایش است و اجزای آن با توجه به رعایت سیرتاریخی به درستی گزینش شده‌اند؛ اما آنچه چنین مستندهایی را از رده آثار بسیار بااهمیت خارج می‌کند و تنها همان کیفیت تکنیکی و ساختاری‌اش سبب ارج و قرب آن می‌شود، نوع و انتخاب «موضوع» است. مضمون فیلم به شدت قابل درک و به خوبی پرداخت شده است. بحث اصلی، اینجا مضمون نیست. فیلم ساز با پژوهش مفصل به موضوع رسوخ می‌کند و البته در دل موضوعاتی مختلف به مضمون واحد و یگانه دست می‌یابد، اما نکته انتقادپذیر کمی کلی‌تر است. دلیل انتخاب چنین موضوعی، خلوص مستند و نیت را به حاشیه می‌برد.

این نگاه به سینما از دوره پیش از نئورئالیسم ایتالیا به جان سینما افتاد و بحث پروپاگاندا و فیلم تبلیغی وارد حوزه نظری فیلم شد. بی‌شک سیاست‌های کلی که دولت‌های ایران و آمریکا در مناسبات سیاسی‌شان دارند، حتی برفوتبالی که به ظاهر توسط فیفا غیرسیاسی قلمداد می‌شود، سایه



می‌افکند و خودشان مسابقه ایران و آمریکا در جام جهانی نود و هشت فرانسه را سیاسی‌ترین مسابقه تاریخ فوتبال می‌دانند. سیاسی بودن، سیاسی شدن، همه جنبه‌های این دو کلمه را پوشش داده است. به میان آمدن نام این دو کشور، سیاست را به میان می‌کشد و ذهن ناخودآگاه به تحلیلی فارغ از اصل، تن می‌دهد.

مستند «بازگشت گومورا» مستندی ایرانی درباره امریکاست و اتفاقاً نگاه به امریکا در این فیلم، منفی و چالشی است. البته به هیچ عنوان نمی‌توان سویه علمی و پژوهشی اثر را که سویه‌ای صحیح و خارج از احساسات و شعارزدگی است، نادیده گرفت. شاید بگویید اینجا این نوشته وارد نقد اخلاقی شده و به جای بررسی خود اثر به حاشیه می‌پردازد و یا این که خود اثر قابلیت ارزش‌گذاری دارد و اهمیتی ندارد که یک ایرانی یا کس دیگر فیلمی درباره امریکا بسازد، اما نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم دقیقاً به موضوع اصلی و مضمون آن برمی‌گردد. خودکشی، حقوق زنان، تجاوز، قتل و بی‌بند و باری‌های اجتماعی که در

«بازگشت گومورا» بدان پرداخت شده، با شدت کمتری در کشور خودمان وجود دارد. هنوز تلخی فجایع قتل و تجاوز به چند کودک از آگاه و ناخودآگاه ما حذف نشده است. آمار خودکشی‌هایی که حتی در ملاء عام روی می‌دهد، در ایران علامت سؤال بزرگی است. با وجودی که به دلیل وجود عقاید مذهبی، ایران آمار خودکشی پایینی نسبت به دیگر کشورها دارد؛ اما میزان ارتکاب به آن به واسطه عدم ارائه آمار صحیح، بسیار نگران‌کننده است. تمامی موضوعاتی که مستند «بازگشت گومورا» بدان پرداخت، در کشور خودمان وجود عینی دارد و این موضوع شبهه‌ی سویه‌ی تبلیغی این مستند را بیش از پیش پررنگ می‌کند. از سویی دیگر همان نقد همیشگی برای این اثر نیز صدق می‌کند و آن این است که وقتی تنها منابع در دسترس برای تولید یک مستند، تصاویر آرشیوی و پژوهشی محدود به کتاب و اینترنت است، لزوماً تولید چنین فیلمی چه رویکرد یا اطلاع رسانی جدیدی دارد، وقتی سویه انتقادی اثری سینمایی در زیر سایه تبلیغی آن رنگ می‌بازد؟

جشنواره تلویزیونی مستند

Documentaries

The First TV Festival of The
Mostanad TV Holds

روایت حقیقت در قلاب واقعیت
شبکه مستند برگزار می کند

فصل سوم نخستین جشنواره مستند

روزهای زوج | ساعت ۲۰:۰۰ از شبکه مستند

بازپخش ساعت ۲۴:۰۰

برای شرکت در مسابقه پیامکی
کد فیلم «بازگشت گومورا» B4



جشنواره مستند

شما می توانید بعد از تماشای هر قسمت امتیاز خود را از یک تا پنج ستاره از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۰۸۱ با زدن کد فیلم به همراه عدد ستاره مورد نظر ارسال نمایید. ضمناً می توانید از طریق کانال اطلاع رسانی جشنواره به آدرس [@festmostanad](https://www.festmostanad.ir) و یا وبسایت جشنواره به آدرس www.festmostanad.ir در این نظرسنجی شرکت کنید.